رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی دانش آموزان

دکتر فریده حمیدی[1]

شهلا انصاری [2]

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطهٔ شیوه‌های فرزند پروری والدین با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی فرزندان است. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه در شهرستان کوهدشت از توابع استان لرستان بود. حجم نمونه ۳۵۰ نفر بودند که به شیوه نمونه‌گیری خوشه ای انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از مقیاس بهزیستی روانی ریف، سرسختی کوباسا و فرزند پروری بامریند و برای تحلیل نتایج از روشهای آمار توصیفی میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی از رگرسیون به روش همزمان استفاده شده است. نتایج نشان داد که میان سبک فرزندپروری مقتدرانه با بهزیستی و سرسختی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدرانه به طور مثبتی بهزیستی و سخت رویی را پیش بینی می‌کند.

کلید واژگان: شیوه‌های فرزند پروری، سخت رویی، بهزیستی روانشناختی

تاریخ دریافت: ۹۵/۱/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۵/۹/۱۳

۱. دانشیار روانشناسی، گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی (نویسنده مسئول) fhamidi@srttu.edu

۲. کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، گروه علوم تربیتی دانشگاه تربیت دبیر شهیدرجایی saman.dadash@gmail.com

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

مقدمه

امروزه در مقابل توجه و تمرکز سنتی که به آسیب شناسی و روانشناسی مرضی شده است، دیدگاهی نو در علوم وابسته به سلامت به طور اعم و در روانشناسی به طور اخص، در حال شکل گیری و گسترش است. در این دیدگاه و رویکرد علمی تمرکز روی سلامتی و بهزیستی از جنبه‌های مثبت و نیز توضیح و تبیین ماهیت روانشناختی بهزیستی[1] است.

ریف[2](۱۹۸۹) بهزیستی روانشناختی را «سلامت مثبت چیزی فراتر از فقدان بیماری» می‌داند. یکی از مهم‌ترین مدلهایی که بهزیستی روانشناختی را مفهوم سازی و عملیاتی کرده، مدل چند بعدی ریف، سینگر و لاو[3] (۲۰۰۴) است. بهزیستی روانشناختی در این مدل که محور پژوهش حاضر است از ۶ عامل تشکیل می شود: پذیرش خود[4] (به معنای داشتن نگرش مثبت به خود و زندگی گذشته خویش است. اگر فرد در ارزشیابی استعدادها، تواناییها و فعالیتهای خود در کل احساس رضایت و در رجوع به گذشته خود احساس خشنودی کند، کارکرد روانی مطلوبی خواهد داشت)، رابطه مثبت با دیگران[5] (به معنای داشتن رابطه با کیفیت و ارضا کننده با دیگران است. افراد با این ویژگی عمدتاً انسانهایی مطبوع، نوع دوست و توانا در دوست داشتن دیگران هستند و می‌کوشند رابطه ای گرم بر اساس اعتماد متقابل با سایرین ایجاد کنند)، خود مختاری[6] (به احساس استقلال، خودکفایی و آزادی از هنجارها اطلاق می شود. فردی که بتواند براساس افکار، احساسات و باورهای شخصی خود تصمیم بگیرد، دارای ویژگی خود مختاری است)، زندگی هدفمند[7] (به مفهوم دارا بودن اهداف درازمدت و کوتاه مدت در زندگی و معنادار شمردن آن است. این حس به فرد امکان می‌دهد تا نسبت به فعالیتها و رویدادهای زندگی علاقه نشان دهد و به گونه ای موثر با آنها درگیر شود)، رشد شخصی[8] (به گشودگی نسبت به تجربیات جدید و داشتن رشد شخصی پیوسته و مستمر بازمی‌گردد. این ویژگی به فرد امکان می‌دهد تا همواره در صدد بهبود زندگی شخصی خویش از طریق یادگیری و تجربه باشد)، و تسلط بر محیط[9] (به معنای توانایی فرد برای مدیریت زندگی و مقتضیات آن است. براین اساس فردی که احساس تسلط بر محیط داشته باشد،

1. Psychological well-being
2. Ryff
3. Singer & Love
4. Self-acceptance
5. Positive relations with others
6. Autonomy
7. Purpose in life
8. Personal growth
9. Environmental mastery

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

می‌تواند ابعاد مختلف محیط و شرایط آن را تا حدامکان دستکاری کند، تغییر دهد و بهبود بخشد) (لیندفورس، برنسون و لاندبرگ[1]، ۲۰۰۶). شواهد پژوهشی شایان توجهی وجود دارد که نشان می‌دهد تنش و حوادث نامطلوب زندگی می‌توانند بهزیستی روانشناختی را تحت تاثیر قرار دهند و مختل کنند (سگرستروم و میلر[2]، ۲۰۰۴). از میان عواملی که به نظر می‌رسد با بهزیستی روانشناختی در ارتباط باشد می‌توان به سبکهای فرزند پروری اشاره کرد. موضوع ارتباط والدین و فرزندان سالها نظر صاحب نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب کرده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند میان کودک و محیط اطراف او را به وجود می آورد(هرگنهان و آلسون[3] ۲۰۰۳، ترجمه سیف، ۱۳۸۸). توزنده جانی و همکاران(۱۳۹۰) در پژوهشی با هدف بررسی اثربخشی شیوه‌های فرزند پروری بر خودکارآمدی و سلامت روان به این نتیجه رسیدند که شیوه‌های فرزند پروری والدین برخودکارآمدی تاثیری معنادار دارند و در این میان شیوه‌های فرزند پروری مقتدرانه نسبت به شیوهٔ سهل گیرانه و شیوه مستبدانه بر افزایش خودکارآمدی تاثیری معنادار داشته است. همچنین، این پژوهش نشان داد که تأثیر شیوه‌های فرزند پروری بر سلامت روانی متفاوت بوده است. شیوه فرزند پروری مقتدرانه نسبت به شیوه‌های دیگر تأثیری معنادارتر بر سلامت روانی داشته است.

گذشته از بهزیستی روانشناختی که امروزه مورد توجه بسیار قرار گرفته است، به متغیرهایی جدید در حوزه شخصیت می‌توان اشاره کرد. سخت‌رویی[4] از جمله این متغیرها است. کوباسا(۱۹۷۹) از نخستین پژوهشگرانی است که بر مبنای نظریه سلیه[5] (۱۹۵۷) سعی کرده است متغیرهای تعدیل کننده عوامل تنش زا را مشخص نماید. وی در مطالعه خود این فرضیه را بررسی کرد که ساختار شخصیتی افرادی که درجه بالایی از تنیدگی را بدون بیماری تجربه می‌کنند، متفاوت از افرادی است که در شرایط تنیدگی زا بیمار می‌شوند و این تمایز شخصیتی در ساختاری قابل نام گذاری است که وی آن را سخت رویی نامیده است. کوباسا و همکاران(۱۹۸۲) سخت رویی را ویژگی شخصیتی پیچیده ای معرفی می‌کنند که از سه مؤلفه چالش[6]، کنترل[7] و تعهد[8] تشکیل شده است.

1. Lindfors, Berntsson & Lundberg
2. Segerstrom & Miller
3. Hergenhan & Alson
4. Hardiness
5. Selye
6. Challenge
7. Control
8. Commitment

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

فردی که میزان ویژگی چالش در او زیاد است، رویدادهای زندگی را به منزله فرصتی برای پویایی و سازگاری مجدد و میدانی برای پژوهش و ارتقای خویشتن تلقی می‌کند و در برابر این رویدادها تسلیم منفعلانه را انتخاب نمی‌کند. فردی که مؤلفه کنترل در او زیاد است، احساس تاثیر گذاری بر جریان زندگی خود دارد و خود را در تغییر و دگرگونی شرایط توانا و مسئول می‌بیند. فردی که از تعهد بیشتری برخوردار است نه تنها خود را واجد ارزش می‌بیند بلکه در زندگی رویدادهایی را که اهمیت و معنای زیستن را برای وی برجسته می‌سازند نیز ارزشمند می‌داند(مدی[1] و کوباسا، ۱۹۷۹؛ مدی، ۲۰۱۳).

موضوع ارتباط والدین و فرزندان سالها نظر صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب نموده است. خانواده نخستین پایگاهی است که پیوند میان کودک و محیط اطراف او را به وجود می آورد. کودک در خانواده پندارهای اولیه درباره جهان و همچنین شیوه‌های سخن گفتن و هنجارهای اساسی رفتار را فرا می‌گیرد و نگرشها، اخلاق و روحیات خود را شکل می‌دهد و در واقع اجتماعی می‌شود(هرگنهان و آلسون، ۲۰۰۳، ترجمه سیف، ۱۳۸۸).

هر خانواده شیوه ای خاص را به منزلهٔ شیوه‌های فرزند پروری در تربیت فرزندان خویش به کار می‌گیرد که متأثر از عوامل متفاوت مانند عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است(هاردی، پاور و جادیک،[2] ۱۹۹۳). تحقیقات معاصر در مورد شیوه‌های فرزند پروری از مطالعات بامریند[3] روی کودکان و خانواده‌های آنان نشأت گرفته است. بامریند با رویکردی تیپ شناختی[4] بر ترکیب اعمال فرزند پروری متفاوت تاکید کرده است. تفاوت در ترکیب عناصر اصلی فرزند پروری(مانند گرم بودن، درگیر بودن، درخواست های بالغانه، نظارت و سرپرستی) تغییراتی در چگونگی پاسخهای کودک به تاثیر والدین ایجاد می کند(دارلینگ[5]، ۱۹۹۹). شیوه‌های فرزند پروری والدینی به شکلهایی متفاوت طبقه بندی شده است.

بامریند (۱۹۹۱) سه سبک فرزند پروری را به شرح فرزند پروری استبدادی[6]، مقتدر[7] و آزادگذار[8] تقسیم بندی نموده است. بامریند(۱۹۹۱) بیان می‌کند که والدین مستبد روابط سرد همراه با کنترل زیاد را بر فرزندان خود اعمال می‌کنند. والدین مقتدر، کنترل خود را همراه با رابطه گرم و

1. Maddi
2. Hardy, Power & Jaedicke
3. Baumrind
4. Cognitive type approach
5. Darling
6. Authoritarian
7. Authoritative
8. Permissive

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

پاسخگویی به فرزندان خود دارند، در حالی که والدین سهل گیر، انتظارات اندکی از فرزندان خود دارند و هیچ گونه کنترل و پاسخگویی هم نسبت به آنان ندارند(به نقل از خوئی نژاد، رجایی و محب راد، ۱۳۸۶). والدین مقتدر واقعیتها و بینشهای شناختی را به کودکان منتقل می‌سازند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودکان در رد یک رهنمود از خود نشان می‌دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند و نیز به منظور توافق با کودک از ارتباط کلامی استفاده می کنند(گارزا[1] و همکاران، ۲۰۰۷).

والدین سهل گیر فرزندان خود را کنترل نمی‌کنند، از آنان توقعی ندارند، در امور خانه نظم و ترتیبی ندارند و در تنبیه کردن یا پاداش دادن به فرزندان خود چندان جدی نیستند. نمایش قدرت والدین اولین عاملی است که شیوه استبدادی را از دو شیوه دیگر متمایز می‌سازد. این والدین بسیار پر توقع اند و پذیرای نیازها و امیال کودکان نیستند(کمیجانی و ماهر، ۱۳۸۶).

همچنین، دیاز[2](۲۰۰۵) معتقد است که سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روشهای کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. پژوهشهای بسیار به بررسی رابطه سبکهای فرزند پروری و عملکرد والدین با علائم اختلالات روانشناختی و رفتارهای ناکارآمد پرداخته اند(پریوات[3]، ۲۰۰۳؛ سندرز و مک فارلند[4]، ۲۰۰۰؛ آبر[5]و همکاران، ۲۰۰۹؛ رینالدی و هاو[6]، ۲۰۱۲؛ بلار[7] و همکاران، ۲۰۱۲؛ فیلی[8]، ۲۰۱۶؛ دانشجو، ۱۳۹۰؛ قاسم زاده، ۱۳۹۲). از این میان و با توجه به مبانی نظری عنوان شده می‌توان گفت شیوه‌های فرزند پروری پیامدهای روانشناختی مهمی دارند که از میان آنها می‌توان به سخت رویی و بهزیستی روانشناختی اشاره کرد. نتایج پژوهش نقی پور(۱۳۹۰) نشان داد که میان شیوه فرزند پروری مقتدرانه با سخت رویی فرزندان رابطه مثبت معنادار و میان شیوه فرزند پروری استبدادی با سخت رویی فرزندان، رابطه منفی معنادار وجود دارد. خدابخش و همکاران(۲۰۱۴) در پژوهش خود نشان دادند که میان سبک فرزند پروری مقتدرانه با بهزیستی روانی فرزندان رابطه معنادار وجود دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سبک فرزند پروری مقتدرانه به طور مثبت بهزیستی را پیش بینی می‌کند. میرزایی و کدیور

1. Garza
2. Diaz
3. Prevatt
4. Sanders & McFarland
5. Abar
6. Rinaldi & Howe
7. Bellar
8. Fili

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

زارع(۲۰۱۴) در پژوهش خود ۲۹ درصد سخت رویی فرزندان را ناشی از شیوه‌های فرزند پروری مقتدرانه والدین گزارش نموده اند. همچنین میان شیوهٔ فرزند پروری سهل گیرانه با سخت رویی فرزندان رابطه وجود ندارد. دویری و منشر[1](۲۰۰۶) پژوهشی با هدف بررسی رابطه میان سبکهای فرزند پروری، تفرد و سلامت روان در نوجوانان مصری انجام دادند. نتایج نشان داد که میان سبک فرزند پروری اقتدارگرا با سلامت روان همبستگی وجود دارد اما میان سبک فرزندپروری مستبدانه با سلامت روانی همبستگی یافت نشد. این پژوهشگران معتقدند که احتمالاً فرزند پروری مستبدانه در یک فرهنگ مستبدانه بر خلاف فرهنگ آزادمنشانه، مضر نیست. فینزی دوتان و همکاران[2](۲۰۱۱) نشان دادند که فقدان شیوه‌های فرزندپروری متعادل و مثبت با آشفتگی هویت، پرخاشگری و اختلال رفتاری در نوجوانان رابطه دارد. ابوطالبی احمدی(۱۳۹۱) در پژوهشی با هدف بررسی شیوه‌های فرزند پروری و عزت نفس با سلامت روانی دانش آموزان دبیرستانی به این یافته‌ها دست یافت که میان عزت نفس و شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی والدین رابطه معنادار وجود دارد. همچنین، یافته‌ها نشان دادند که میان شیوه فرزند پروری اقتدار منطقی والدین با سلامت روان همبستگی مثبت معنادار وجود دارد. دانش و همکاران(۱۳۹۳) در پژوهش خود به این یافته دست یافتند که شیوه فرزند پروری والدین مؤلفه‌های خود پنداره رفتاری، تحصیلی و شادی را توجیه می‌کند.

یوجی و همکاران[3](۲۰۱۴) پژوهشی با هدف بررسی تأثیر سبکهای فرزند پروری مستبدانه، مقتدرانه و سهل گیرانه بر سلامت روان کودکان ژاپنی انجام دادند. نتایج نشان داد که سبک فرزند پروری مستبدانه اثرات منفی بر سلامت روان فرزندان دارد و در دوره‌های بعدی رشد مشکلات و رفتارهای خطر آفرین را برای خود و دیگران در فرزند ایجاد خواهد کرد. در حالی که سبک فرزند پروری اقتدارنگر تاثیرات مثبتی بر سلامت روان دارد. این پژوهش نشان داد که یافته‌های فوق تحت تاثیر متغیر جنسیت قرار نداشته اند و در هر دو جنس نتایج مشابه بوده است.

از آنجایی که شخصیت انسان متاثر از محیط خانواده و تفاوتهای موجود در شخصیت متاثر از شیوه‌های فرزند پروری والدین است و از طرفی هم سخت رویی به منزلهٔ یک صفت شخصیتی

1. Dwairy & Menshar
2. Finzi-Dottan
3. Uji et al.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

موجب مقاومت انسان در برابر فشارهای روانی و در نتیجه ضامن سلامتی جسم و روان می شود و همچنین از آنجا که در زمینه رابطه سبکهای فرزند پروری با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی در ایران تحقیقات محدودی صورت گرفته است لذا، مهمترین پرسش پژوهش حاضر این است که آیا میان سبکهای فرزند پروری با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی رابطه وجود دارد؟

روش تحقیق

روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. در این شیوه پژوهش، هدف اصلی توصیف رابطه میان متغیرهای مورد بررسی است. داده‌های پژوهش از طریق پرسشنامه گردآوری شده اند.

جامعه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل همهٔ دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهرستان کوهدشت از توابع استان لرستان بود که در سال تحصیلی ۹۴- ۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند (حدود ۲۲۰۰ نفر). دلیل انتخاب کردن دانش آموزان دوره متوسطه داشتن قابلیت بیشتر پاسخگویی به پرسشنامه‌ها و شکل گیری بیشتر ویژگیهای سخت رویی و بهزیستی روانشناختی در آنان بوده است.

نمونه و روش نمونه‌گیری

حجم نمونه پژوهش حاضر با توجه به جدول مورگان ۳۲۷ دانش آموز بود که برای حصول اطمینان بیشتر ۳۵۰ دانش آموز با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. ابتدا از شهرستان کوهدشت به طور تصادفی ۶ دبیرستان انتخاب، سپس از این ۶ دبیرستان ۱۲ کلاس انتخاب شد که در مجموع ۳۵۰ دانش آموز انتخاب شدند.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شده است:

پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری[1]: بامریند در سال ۱۹۷۳ مجموعه بررسیهایی را انجام داد که بر اساس آنها، پرسشنامه شیوه‌های فرزند پروری ساخته شد. وی برای مطالعات خود پرسشنامه ای را طرح کرد که به نام خود او معروف شده است. این پرسشنامه شامل ۳۰ پرسش است که ده جمله آن شیوه‌های سهل گیرانه، ده پرسش آن شیوه‌های استبدادی و ده پرسش آن شیوه‌های مقتدارنه را می‌سنجد و با انتخاب یک گزینه از ۵ گزینه (کاملاً موافقم، موافقم، تقریباً موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

1. Parenting Styles Questionnaire

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

در این تست والدین آزمودنیها با مطالعه هر ماده نظر خود را با علامت ضربدر بر حسب یک مقیاس پنج درجه ای مشخص می‌کنند که از صفر تا ۴ نمره گذاری می‌شود و با جمع نمرات، ۳ نمره مجزا در مورد آزاد گذاری مطلق، استبدادی و اقتدار منطقی برای هر آزمودنی به دست می آید:

۱. ده ماده مربوط به مقیاس آزادگذاری: ۱- ۶- ۱۰- ۱۳- ۱۴- ۱۷- ۱۹- ۲۱- ۲۴- ۲۸

۲. ده عبارت مربوط به مقیاس استبدادی: ۲-۳- ۷- ۹- ۱۲ -۱۶- ۱۸- ۲۵- ۲۶- ۲۹

۳. ده عبارت مربوط به مقیاس اقتدار منطقی: ۴- ۵- ۸- ۱۱- ۱۵- ۲۰- ۲۲- ۲۳- ۲۷- ۳۰

بوری(۱۹۹۱) میزان اعتبار این پرسشنامه را با روش باز آزمایی در میان گروه مادران ۰/۸۱ برای شیوه‌های سهل گیر، ۰/۸۶ برای شیوه‌های استبدادی و ۰/۷۸ برای شیوه‌های مقتدرانه است. همچنین اعتبار آن در میان گروه پدران برای شیوه‌های سهل گیر ۰/۷۷، استبدادی ۰/۸۵ و مقتدرانه ۰/۹۲ است. برای سنجش روایی از روش محاسبه روایی افتراقی استفاده شده است. نتایج نشان داده است که مستبد بودن مادر رابطه معکوسی با سبک سهل گیر ۰/۳۸- و مقتدرانه ۰/۴۸- دارد و نیز مستبد بودن پدران رابطه معکوسی با سبک سهل گیر ۰/۵۰- و اقتداری ۰/۵۲- دارد. در نمونه ایرانی پرسشنامه در گروه مادران را لیل آبادی(۱۳۷۵) اجرا کرده که میزان پایایی به ترتیب برای شیوه‌های سهل گیر ۰/۶۷، استبدادی ۰/۷۷ و مقتدرانه ۰/۷۳ برآورد شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ به ترتیب برای شیوه‌های سهل گیر ۰/۷۷، استبدادی ۰/۷۵ و مقتدرانه ۰/۲۳ برآورد شده است.

پرسشنامه سخت رویی[1]: پرسشنامه سخت رویی را کوباسا و همکاران(۱۹۸۲) ساخته اند. این مقیاس دارای ۵۰ ماده است که آزمودنی در برابر هر ماده، بر اساس اینکه این ماده تا چه میزان در مورد وی مصداق دارد پاسخ خود را در یک مقیاس چهار درجه ای از صفر(اصلاً درست نیست) تا سه(کاملاً صحیح است) مشخص می‌نماید. این آزمون دارای سه مؤلفه اصلی چالش، تعهد و کنترل است که هر یک به ترتیب ۱۷، ۱۶ و ۱۷ ماده را به خود اختصاص داده است. نمرات ۳۹ ماده از آزمون به شکل وارونه در نظر گرفته می‌شود و در مجموع یک نمره کلی برای سخت رویی و سه نمره برای مؤلفه‌های مجزا به‌دست می‌دهد. میزان پایایی برای کل صفت سخت رویی ۰/۷۵ محاسبه شده است(کوباسا و پوچتی،[2] ۱۹۸۳). در نمونه ایرانی، پایایی به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ برآورد

1. Hardiness Scale
2. Puccetti

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

شده است(منتظرغیب، احقر و کیخانژاد، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر میزان پایایی به شیوه آلفای کرونباخ برای سخت رویی ۰/۸۸ برآورد شده است.

پرسشنامه بهزیستی روانشناختی[1]: این مقیاس را ریف در سال ۱۹۸۹ ساخته است. این پرسشنامه در ایران توسط میکاییلی(۱۳۸۹) مورد هنجاریابی قرار گرفت. این آزمون ۸۴ سؤال و ۶ عامل را دربر می‌گیرد. هدف پرسشنامه فوق عملیاتی کردن شش عامل استخراج شده از تئوریهای پیشین بود که در مدل بهزیستی روانشناختی ریف جای گرفته است. فرآیند ساخت مقیاس با نوشتن تعریف برای شش عامل آغاز شده است که این تعاریف از بنیادهای نظری مدل استخراج گردیده اند. تعاریف حالت دوقطبی دارند و به صورت نمرهٔ بالا و پایین تعریف شده اند. این عوامل عبارت اند از: ۱) پذیرش خود(داشتن نگرش مثبتی نسبت به خود)، ۲) ارتباط مثبت با دیگران(دارا بودن ارتباطات رضایت بخش)، ۳) خودمختاری(متکی بودن به خود)، ۴) تسلط بر محیط(داشتن احساس تسلط و شایستگی در مدیریت محیط)، ۵) هدفمندی در زندگی(داشتن هدف و معنا در زندگی)، ۶) رشد شخصی(دارای احساس رشد مستمر). در این مقیاس ۸۴ سؤالی هر عامل از ۱۴ سؤال تشکیل می‌شود و از آزمودنی خواسته می‌شود که سؤالات را بخواند و قضاوت درباره خودش را روی یکی از گزینه‌های کاملاً مخالف= ۱، تا حدودی مخالف= ۲، خیلی کم مخالف= ۳، خیلی کم موافق= ۴، تا حدودی موافق= ۵ و کاملاً موافق= ۶ علامت گذاری کند. ۴۷ سؤال، مستقیم و ۳۷ سؤال به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. بالاترین نمره این مقیاس برابر ۵۰۴ و پایین ترین نمره آن برابر ۸۴ است. نمرهٔ بالاتر، نشان دهنده بهزیستی روانشناختی بهتر است.

پایایی پرسشنامه بهزیستی روانشناختی، در مطالعهٔ ریف (۱۹۸۹) برای پذیرش خود ۰/۹۳، ارتباط مثبت با دیگران ۰/۹۱، خودمختاری ۰/۸۶، زندگی هدفمند ۰/۹۰ و رشد شخصی ۰/۸۷ گزارش شده است. لیندفورس و همکاران (۲۰۰۶) نیز دامنهٔ ضریب ثبات درونی را برای ابعاد مختلف مقیاس ریف میان ۰/۶۵ تا ۰/۷۰گزارش کرده اند. فقط ضریب مؤلفهٔ هدفمندی زندگی ۰/۲۴ بود. در ایران بیانی و همکاران(۱۳۸۷) در پژوهشی همسانی درونی را با بهره‌گیری از آلفای کرونباخ سنجیده اند. نتایج حاصل برای تسلط بر محیط ۰/۷۷، رشد شخصی ۰/۷۸، ارتباط مثبت با دیگران ۰/۷۷، هدفمندی در زندگی ۰/۷۰، پذیرش خود ۰/۷۱، خودمختاری ۰/۷۸ و نمره کلی

1. Psychological Well-Being Scale

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

۰/۸۲ بوده است. روایی این مقیاس نیز مناسب برآورد شده است. در پژوهش حاضر ضرایب آلفای کرونباخ برای خرده مقیاسها میان ۰/۶۹ تا ۰/۸۸ به دست آمد.

نتایج

برای تحلیل داده‌ها در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح آمار استنباطی با توجه به فرضیه‌های پژوهش از همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به روش همزمان بهره‌گیری شده است.

آمار توصیفی متغیرهای اصلی پژوهش

اطلاعات توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اصلی پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد
سبک فرزند پروری آزادگذار	۳۵۰	۳۰/۱۸	۲۸/۵۷
سبک فرزند پروری مستبدانه	۳۵۰	۲۶/۲۳	۲۹/۵۰
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۳۵۰	۱۸/۶۱	۱۰/۵۵
بهزیستی روانشاختی	۳۵۰	۱۵۷/۲۳	۴/۲۲
سخت رویی	۳۵۰	۹۵/۹۷	۷/۲۴

تحلیل آماری فرضیه پژوهش

آمار استنباطی بخش اصلی تحلیل آماری را در بر می‌گیرد. در این پژوهش، رابطه شیوه‌های فرزند پروری والدین با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی فرزندان مورد بررسی قرار گرفته است و سؤالها با توجه به موضوع تحقیق طراحی شده اند که برای سنجش آنها از آزمون آماری همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان استفاده شده و در تمام مراحل تحقیق از نرم‌افزار آماریSPSS کمک گرفته شده است. در به کارگیری روش تحلیل رگرسیون، ابتدا باید مفروضات آزمون مورد تایید قرار بگیرد تا بتوان از آزمون مورد نظر استفاده کرد، بنابراین ابتدا مفروضات آزمونهای پارامتریک نرمال بودن توزیع متغیر وابسته مورد بررسی قرار گرفته است.

نرمال بودن

برای بررسی نرمال بودن داده‌ها آزمون کولموگروف- اسمیرنف به کار رفته است. با توجه به نتایج جدول۲ و سطوح معناداری به دست آمده هریک از متغیرهای پژوهش که بزرگتر از ۰/۰۵

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

است، تایید شده و داده‌های همه خرده مقیاسها نرمال است و برای آزمون هریک از متغیرها می‌توان از آزمونهای پارامتریک استفاده کرد.

جدول ۲.آزمون کولموگروف اسمیرنف تک نمونه ای

متغیرها شاخص	Z	سطح معناداری
سبک فرزند پروری آزادگذار	۱/۱۰	۰/۱۷
سبک فرزند پروری مستبدانه	۱/۲۵	۰/۰۹
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۱/۳۵	۰/۰۶
بهزیستی روانشناختی	۱/۰۸	۰/۱۸
سخت رویی	۱/۲۲	۱/۱۰

جمع بندی مفروضه‌ها نشان می‌دهد که فرض نرمال در همهٔ متغیرها برقرار است، لذا می‌توان از آزمونهای پارامتریک برای رگرسیون چندگانه به روش همزمان برای تحلیل نتایج استفاده کرد.

فرضیه اول: بین شیوه‌های فرزند پروری والدین با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی فرزندان رابطه وجود دارد.

در جدول ۳ ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش آورده شده است. طبق جدول ۳ همبستگی میان سبک فرزند پروری آزاد گذار، مستبدانه و مقتدرانه با بهزیستی به ترتیب برابر با ۰/۰۹-، ۰/۰۲- و ۰/۱۱ است. فقط رابطه میان سبک فرزند پروری مقتدرانه با بهزیستی در سطح ۰/۰۵ معنادار است. طبق جدول۳ همبستگی میان سبک فرزند پروری آزاد گذار، مستبدانه، مقتدرانه با سخت رویی به ترتیب برابر با ۰/۰۸-، ۰/۰۲- و ۰/۳۴ است که فقط رابطه میان سبک فرزند پروری مقتدارنه با سخت رویی معنادار است.

جدول ۳. ماتریس همبستگی میان متغیرهای پژوهش

متغیر	سبک فرزند پروری آزاد گذار	سبک فرزند پروری مستبدانه	سبک فرزند پروری مقتدرانه	بهزیستی روانشناختی	سخت رویی
سبک فرزند پروری آزاد گذار	۱				
سبک فرزند پروری مستبدانه	-۰/۵۸	۱			
سبک فرزند پروری مقتدرانه	۰/۰۱	۰/۰۵	۱		
بهزیستی روانشناختی	-۰/۰۹	-۰/۰۲	*۰/۱۱	۱	
سخت رویی	-۰/۰۸	-۰/۰۲	**۰/۳۴	**۰/۲۰	۱

**همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

*همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

فرضیه دوم: بهزیستی روانشناختی دانش آموزان بر اساس شیوه‌های فرزند پروری قابل پیش‌بینی است.

جدول۴. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان: سبکهای فرزند پروری با بهزیستی روانی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	β	مقدار ثابت	R^2	T	سطح معناداری
بهزیستی روانشناختی	سبک فرزند پروری آزاد گذار	-۰/۱۱	۱۵۰/۳۲	۰/۰۲	-۱/۷۹	۰/۰۷
	سبک فرزند پروری مستبدانه	۰/۰۳			۰/۵۹	۰/۵۵
	سبک فرزند پروری مقتدرانه	۰/۱۱			۲/۱۰	۰/۰۳

بر اساس جدول شماره ۴ سبکهای فرزند پروری مقتدرانه پیش بینی کننده‌های بهزیستی روانی در نوجوانان اند، اما سبکهای آزاد گذار و مستبدانه در پیش بینی بهزیستی روان شناختی نوجوانان سهمی معنادار ندارند. نتایج تحلیل رگرسیون با روش همزمان نشان می‌دهد که مجذور R برای سبکهای فرزند پروری برابر ۰/۰۲ است، یعنی این مؤلفه‌ها ۲ درصد واریانس متغیر بهزیستی روانی را تبیین می‌کنند. ضریب استاندارد (β) معرف میزان تاثیر هر متغیر بر متغیر ملاک است.

جدول ۵. تحلیل واریانس حاصل از رابطه سبکهای فرزند پروری با بهزیستی روانی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۳۸۸۳/۲۱	۳	۱۱۲۹۴/۴۰	۲/۷۸	۰/۰۴
باقیمانده	۱۴۰۵۵۲۸/۵۰	۳۴۶			
کل	۱۴۳۹۴۱۱/۷۱	۳۴۹			

برای بررسی معناداری آزمون رگرسیون از آزمون تحلیل واریانس(جدول۵) استفاده شده است. با توجه به مقدار f به دست آمده(۲/۷۸) و سطح معناداری گزارش شده می‌توان نتیجه گرفت که رگرسیون صورت گرفته معنادار است($P<۰/۰۵$).

فرضیه سوم: سخت رویی دانش آموزان بر اساس شیوه‌های فرزند پروری قابل پیش بینی است.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه به روش همزمان: سبکهای فرزند پروری با سخت رویی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	β	مقدار ثابت	R^2	T	سطح معناداری
سخت رویی	سبک فرزند پروری آزاد گذار	-۰/۰۴	۸۲/۲۵	۰/۱۲	-۰/۶۳	۰/۵۲
	سبک فرزند پروری مستبدانه	-۰/۰۷			-۱/۱۷	۰/۲۳
	سبک فرزند پروری مقتدرانه	۰/۳۴			۶/۸۷	۰/۰۰۱

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

بر اساس جدول ۶، سبک فرزند پروری مقتدرانه پیش بینی کننده سخت رویی در نوجوانان است. اما سبکهای آزاد گذار و مستبدانه در پیش بینی سخت رویی در نوجوانان سهمی معنادار ندارند. نتایج تحلیل رگرسیون با روش همزمان نشان می‌دهد که مجذور R برای سبکهای فرزند پروری برابر ۰/۱۲ است، یعنی این مؤلفه‌ها ۱۲ درصد واریانس متغیر سخت رویی را تبیین می‌کنند. ضریب استاندارد (β) معرف میزان تاثیر هر متغیر بر متغیر ملاک است.

جدول۷. تحلیل واریانس حاصل از رابطه سبکهای فرزند پروری با سخت رویی

منابع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری
رگرسیون	۳۳۱۲۶/۳۲	۳	۱۱۰۴۲/۱۱	۱۶/۹۰	۰/۰۰۱
باقیمانده	۲۲۶۰۲۷/۴۸	۳۴۶	۶۵۳/۲۵		
کل	۲۵۹۱۵۳/۸۱	۳۴۹			

برای بررسی معناداری آزمون رگرسیون از آزمون تحلیل واریانس(جدول ۷) استفاده شده است. با توجه به مقدار f به دست آمده(۱۶/۹۰) و سطح معناداری گزارش شده می‌توان نتیجه گرفت که رگرسیون صورت گرفته معنادار است.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه سبکهای فرزند پروری با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان است. نتایج نشان داد میان سبک فرزند پروری مقتدرانه با بهزیستی و سخت رویی رابطه معنادار وجود دارد. فردی که میزان خصیصه چالش در او زیاد است رویدادهای زندگی را به منزله فرصتی برای پویایی و سازگاری مجدد و میدانی برای پژوهش و ارتقای خویشتن تلقی می‌نماید و در برابر این رویدادها تسلیم منفعلانه را انتخاب نمی‌کند. فردی که مؤلفه کنترل در او زیاد است، احساس تاثیر گذاری بر جریان زندگی خود دارد و خود را در تغییر و دگرگونی شرایط، توانا و مسئول می‌بیند. فردی که از تعهد بیشتری برخوردار است نه تنها خود را واجد ارزش می‌بیند بلکه در زندگی رویدادهایی را که اهمیت و معنای زیستن را برای وی بر جسته می‌سازند نیز ارزشمند می‌داند(مدی و کوباسا، ۱۹۷۹؛ مدی، ۲۰۱۳). در تبیین این یافته می‌توان گفت در خانواده‌هایی که والدین به روش اقتدار منطقی با فرزندان خود ارتباط دارند، افراد دوستانه به اظهار نظر خود می‌پردازند و دیگر اعضای خانواده نیز به گفته‌های آنها گوش فرا می-دهند و این احساس خوب گفتن و جلب توجه نمودن، زمینه‌های عزت نفس را در تک‌تک افراد خانواده مهیا می‌کند. در این خانواده‌ها حقوق همه افراد محترم شمرده می‌شود. لذا، می‌توان انتظار داشت که فرزندان برخوردار از سبک مقتدرانه والدین، از سلامت روان بیشتری برخوردار باشند.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

می‌توان گفت اگر والدین نیازهای عاطفی و شناختی فرزندان را با اقتدار(پذیرش و محدودیت با احترام) برآورده کنند آنان دنیای پیرامون خود را با ارزش می‌بینند و حس تعهد در آنها شکل می‌گیرد؛ اگر به آنها امکان ابراز وجود دهند و فرزندان احساس کنند که در حل مسائل قابلیت و شایستگی کافی و بر محیط خود تسلط کافی دارند، حس کنترل در آنها به وجود می آید و در نهایت وقتی والدین به فرزندان بیاموزند که تجربه‌های متنوع در زندگی با ارزش اند، حس چالش طلبی در آنها بروز می کند.

این یافته‌ها با نتایج پژوهش نقی‌پور(۱۳۹۰)، شکربیگی و یاسمی(۱۳۹۱)، ابوطالبی احمدی(۱۳۹۱)، دانش و همکاران(۱۳۹۳)، گرلینک(۱۹۸۶)، بامریند(۱۹۶۷، به نقل از برک، ۲۰۰۱، ترجمه سید محمدی، ۱۳۸۳)، خدابخش و همکاران(۲۰۱۴)، میرزایی و کدیور زارع(۲۰۱۴)، دانشجو (۱۳۹۰)، قاسم زاده (۱۳۹۲)، دویری و منشر (۲۰۰۶) و فینزی دوتان و همکاران (۲۰۱۱) همخوانی دارند.

والدین مقتدر، کنترل خود را همراه با رابطه گرم و پاسخگویی به فرزندان خود دارند، در حالی که والدین سهل گیر، انتظارات اندکی از فرزندان خود دارند و هیچ گونه کنترل و پاسخگویی هم نسبت به آنان ندارند(خوئی نژاد و همکاران،۱۳۸۶). سبک مقتدرانه با پذیرش و روابط نزدیک، روشهای کنترل سازگارانه و استقلال دادن مناسب مشخص می‌شود. سبک مستبدانه از نظر پذیرش و روابط نزدیک پایین، از نظر کنترل اجباری بالا و از نظر استقلال دادن پایین است و والدین با سبک آسان گیرانه روشی مهرورز و پذیرا را نشان می‌دهند، متوقع نیستند و کنترل کمی بر رفتار فرزندان خود اعمال می‌کنند. این والدین به فرزندان خود اجازه می‌دهند در هر سنی که باشند خودشان تصمیم‌گیری کنند، حتی اگر امروز قادر به انجام دادن این کار نباشند. همچنین والدین مقتدر واقعیتها و بینشهای شناختی را به کودکان منتقل می‌کنند و تمایل بیشتری برای پذیرش دلایل کودکان و یا رد آن از خود نشان می‌دهند. این والدین سخنوران خوبی هستند و اغلب برای مطیع سازی از استدلال و منطق بهره می‌جویند و نیز به منظور توافق با کودک از ارتباط کلامی استفاده می‌کنند(گارزا و همکاران، ۲۰۰۷).

یافته‌های پژوهش حاضر با پژوهش یوجی و همکاران (۲۰۱۴) نیز همخوانی دارد. نتایج پژوهش آنان نشان داد که سبک فرزند پروری اقتدارنگر تاثیراتی مثبت بر سلامت روان دارد. بهزیستی روانشناختی را می‌توان واکنشهای عاطفی و شناختی به ادراک ویژگیها و توانمندیهای شخصی، پیشرفت بسنده، تعامل کارآمد و موثر با جهان، پیوند و رابطه مطلوب با جمع و اجتماع و

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]
[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

پیشرفت مثبت در طول زمان تعریف کرد. این حالت می‌تواند مؤلفه‌هایی مانند پذیرش خود، روابط مثبت، خود مختاری، تسلط بر محیط، زندگی هدفمند و رشد فردی را نیز در برگیرد. همچنین، سخت رویی نیز به عنوان یک ویژگی شخصیتی مثبت در نظر گرفته می‌شود. افراد سخت رو معنا، ارزش، اهمیت و هدفمندی خودشان، کارشان و به طور کلی زندگی را دریافته اند. آنها به تلاش و عمل بیش از شانس اهمیت می‌دهند و معتقدند می‌توانند روند رویدادهای زندگی را در دست بگیرند، دارای منبع کنترل درونی هستند و رویدادهای مثبت و منفی را پیامد اعمال شخص می‌دانند. همچنین این افراد تغییر و تحول را قانون ثابت زندگی می‌دانند و تغییرات را فرصتی برای یادگیری و رشد قلمداد می‌کنند نه تهدیدی برای امنیت خود(مدی، ۲۰۱۳). بنابراین نتایج پژوهش حاضر نیز مؤید رابطه سبک فرزند پروری مقتدرانه با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی در دانش آموزان بود.

در پژوهش حاضر محدودیتهایی چون عدم کنترل متغیرهای تاثیر گذار بر وضعیت بهزیستی روانشناختی و سخت رویی دانش آموزان مانند طبقه اقتصادی- اجتماعی خانوادگی، متغیرهای محیطی و وضعیت روانی شرکت کنندگان وجود داشت. همچنین به دلیل بزرگ بودن جامعه آماری و در اختیار نداشتن فهرست همهٔ افراد جامعه، برای انتخاب شرکت کنندگان از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای مرحله ای استفاده شده است که این امر می‌تواند منجر به افزایش خطای نمونه‌گیری و در نتیجه مشتبه شدن نتایج گردد.

در پایان پیشنهاد می شود معلمان و مشاوران مدارس و روانشناسان خانواده از نتایج این تحقیق به منظور شناخت و شناساندن شیوه های مطلوب فرزند پروری به والدین و تأثیر آن در میزان سخت رویی دانش آموزان بهره بگیرند. از آنجا که سبک فرزندپروری اقتدار منطقی با سخت رویی ارتباط معنادار دارد پیشنهاد می‌شود برنامهٔ مناسب آموزش سبکهای فرزندپروری با تاکید بر سبک فرزند پروری اقتدار منطقی در برنامه‌های آموزش خانواده مورد توجه قرار گیرد.

پیشنهادهای پژوهشی

۱. پیشنهاد می‌شود در پژوهشهای بعدی، این رابطه در مقاطع تحصیلی مختلف و در جامعه‌های آماری دیگر بررسی گردد.

۲. ارتباط سایر متغیرهای مرتبط مانند سن، جنس، تفاوتهای فردی، طبقه اجتماعی، ویژگیهای شخصیتی با سخت رویی و بهزیستی روانشناختی بررسی شود.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

۳. در پژوهشهای بعدی میزان تاثیر ویژگیهای فرهنگی و قومی بر سخت رویی افراد مورد بررسی قرار گیرد.

۴. این متغیرها با ابزارهای دیگری همچون مصاحبه، مشاهده یا روش پژوهش کیفی نیز مورد پژوهش قرار گیرند.

۵. پژوهشهایی به منظور آموزش سبکهای مناسب فرزندپروری و کارکرد مناسب خانواده برای افزایش بهزیستی روانشناختی دانش آموزان انجام شود.

۶. از آنجا که روش تحقیق پژوهش حاضر از نوع همبستگی بود پیشنهاد می‌شود در پژوهش بعدی، تحقیق در قالب یک طرح تجربی تکرار گردد.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

منابع

ابوطالبی احمدی، تقی. (۱۳۹۱). رابطه بین شیوه های فرزند پروری و عزت نفس با سلامت روان دانش آموزان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۹(۳)، ۷۱-۸۸ .

برک، لورا. (۲۰۰۱). *روانشناسی رشد از لقاح تا کودکی*، (ترجمه یحیی سید محمدی، ۱۳۸۸). تهران: ارسباران.

بیانی، علی اصغر؛ کوچکی، عاشور محمد و گودرزی، حسنیه (۱۳۸۶). اعتبار و روایی مقیاس رضایت از زندگی (SWLS) . *فصلنامه روانشناسان ایرانی، ۳(۱۱)*، ۲۵۹-۲۶۵

توزنده جانی، حسن؛ جهانشیر، توکلی و لگزیان ، زهرا. (۱۳۹۰). اثربخشی شیوه های فرزند پروری بر خودکارآمدی و سلامت روان دانشجویان. *افق دانش، فصلنامه علوم پزشکی و خدمت بهداشتی گناباد*، ۱۷(۲)، ۵۶-۶۴.

خوئی نژاد، غلامرضا؛ رجایی، علیرضا و محب راد، تکتم. (۱۳۸۶). رابطه سبک فرزند پروری ادارک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر. *دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۳۴، ۷۵-۹۲.

دانش، عصمت؛ معنوی، مرجان و خوشابی،کتایون. (۱۳۹۳). تاثیر سطوح خشم و شیوه های فرزند پروری مادران کودکان دچار ناتوانی های یادگیری بر خودپنداره فرزندانشان. *فصلنامه خانواده پژوهشی*، ۱۰(۳۸)، ۱۷۵-۱۹۶.

دانشجو، محمد جعفر. (۱۳۹۰). *اثر بخشی و نمونه سازی روابط مادر – فرزندی بر بهزیستی شخصی و عملکرد خانواده از دیدگاه مادران*. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی.

شکربیگی، علیرضا و یاسمی نژاد، پریسا. (۱۳۹۱). مقایسه سبک های فرزندپروری خانواده، عزت نفس وسلامت عمومی نوجوانان پسر بزهکار وعادی در کرمانشاه. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*،۲(۲)، ۱۷۸-۱۹۲.

قاسم زاده، سوگند. (۱۳۹۲). *طراحی برنامه بهبود بخش روابط درون خانوادگی و ارزیابی اثر بخشی آن بر رضایتمندی زوجیت ، مهارت های فرزند پروری والدین و نشانه های بالینی اختلال رفتاری فرزندان*. رساله دکتری رشته روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه تهران.

کمیجانی، مهرناز و ماهر، فرهاد. (۱۳۸۶). مقایسه شیوه های فرزند پروری والدین نوجوانان با اختلال سلوک و نوجوانان عادی. *دانش و پژوهش در روانشناسی*، ۳۳، ۶۳-۹۴.

لیل آبادی، لیدا. (۱۳۷۵). *بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری مادارن دارای کودکان دچار اختلال رفتاری با شخصیت آنها. پایان نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه علامه طباطبایی تهران.

منتظر غیب، طیبه ؛ احقر، قدسی و کیخانژاد، مهین. (۱۳۹۱). رابطه سخت رویی با میزان کمرویی دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی، ۴(۱۳)*، ۱۰۴-۱۱۴.

میکاییلی، فرزانه. (۱۳۸۹). بررسی ساختار عاملی مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف بین دانشجویان دانشگاه ارومیه. *فصلنامه روانشناسی دانشگاه تبریز*، ۵ (۱۸)، ۱۴۳-۱۶۶.

نقی پور، مسعود. (۱۳۹۰). رابطه شیوه های فرزند پروری والدین با سخت رویی فرزندان. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۲ (۲)، ۱۳-۳۰.

هرگنهان، بی.آر. و آلسون، متیو.اچ. (۲۰۰۳). *مقدمه بر نظریه های یادگیری*، (ترجمه علی اکبر سیف، ۱۳۸۸). تهران: انتشارات دانا.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

Abar, B., Carter, K.L., & Winsler, A. (2009). The effects of maternal parenting style and religious commitment on self-regulation, academic achievement, and risk behavior among African –American parochial college student. *Journal of Adolescence,* 32, 259-273.

Baumrind, D. (1991). Parenting styles and adolescent development. In R. M. Lerner, A. C. Peterson & J. Brooks-Gunn (Eds.), *The encyclopedia of adolescence* (pp. 746-758). New York: Garland Publishing.

Bellar, D., Bryan, C., & Broussard, L. (2012). Relationship of parental efficacy and effects of a pilot youth weight management program on health and fitness of overweight and obese children. *Acta Kensiologica, 6*(1), 13-18.

Buri, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, *57*(1), 110–119.

Darling, N. (1999). Parenting style and its correlates. *ERIC Digest, 99*(3), 1-2.

Diaz, Y. (2005). *Association between parenting and child behavior problems among Latino mothers and children*. Unpublished master's thesis, University of Maryland.

Dwairy, M., & Menshar, K. E. (2006). Parenting style, individuation, and mental health of Egyptian adolescents. *Journal of adolescence*, *29*(1), 103-117.

Fili, E. (2016). Parenting styles and aggressive behavior among preschool going children. *International Journal of Academic Research and Reflection, 4*(2), 1-8.

Finzi-Dottan, R., Bilu, R., & Golubchik, P. (2011). Aggression and conduct disorder in former Soviet Union immigrant adolescents: The role of parenting style and ego identity. *Children and Youth Services Review*, *33*(6), 918-926.

Garza, Y., Watts, R., & Kinsworthy, S. (2007). Filial therapy: A process for developing strong parent-child relationships. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families, 15*(3), 277-281.

Hardy, D. F., Power, T.G., & Jaedicke, S. (1993). *Examining the relation of parenting to children's coping with everyday stress. Child development,* 64, 1829-1841.

Khodabakhsh, M.R., Kiani, F., & Ahmedbookani, S. (2014). Psychological well-being and parenting styles as predictors of mental health among students: Implication for health promotion. *International Journal of Pediatrics* (Supplement 5), 2, (3-3), 39-46.

Kobasa, S. C. (1979). Stressful life events, personality, and health: An inquiry into hardiness. *Journal of Personality and Social Psychology*, *37*(1), 1-11.

Kobasa, S.C., Maddi, S.R., & Kahn, S. (1982). Hardiness and health: A prospective study. *Journal of Personality and Social Psychology*, *42*(1), 168-177.

Kobasa, S.C., & Puccetti, M.C. (1983). Personality and social resources in stress resistance. *Journal of Personality and Social Psychology*, *45*(5), 839-850.

Lindfors, P., Berntsson, L., & Lundberg, U. (2006). Factor structure of Ryff´s psychological well-being scales in Swedish female and male white collar workers. *Personality and Individual Differences,* 40, 1213–1222.

Maddi, S.R. (2013). *Hardiness: Turning stressful circumstances into resilient growth* (pp. 29-41). Springer.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

Maddi, S. R., & Kobasa, S.C. (1979). *The hardy executive: Health under stress*. Homewood, IL: Dow Jones-Irwin.

Mirzaei, F. & Kadivarzare, H.A. (2014). Relationship between parenting styles and hardiness in high school students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences,* 116, 3793 – 3797. 5th World Conference on Educational Sciences –WCES.

Prevatt, F.F. (2003). The contribution of parenting practices in a risk and resiliency model of children's adjustment. *British Journal of Developmental Psychology*, *21*(4), 469–480.

Rinaldi, C. M., & Howe, N. (2012). Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. *Early Childhood Research Quarterly*, *27*(2), 266-273.

Ryff, C.D. (1989). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, *57*(6),1069-1081.

Ryff, C.D., Singer, B.H., & Love, G.D., (2004). Positive health: Connecting well-being with biology. *Philosophical Transactions of the Royal Society of London*, *359*, 1383-1394.

Sanders, M.R., & McFarland, M.C. (2000). Treatment of depressed mothers with disordered children: A controlled evaluation of cognitive behavioral family intervention. *Behavior Therapy*, *31*(1), 89-112.

Segerstrom, S.C., & Miller, G.E. (2004). Psychological stress and the human immune system: A meta-analytic study of 30 years of inquiry. *Psychological Bulletin, 130*(4), 601-630.

Uji, M., Sakamoto, A., Adachi, K., & Kitamura, T. (2014). The impact of authoritative, authoritarian, and permissive parenting styles on children's later mental health in Japan: Focusing on parent and child gender. *Journal of Child and Family Studies*, *23*(2), 293-302.

[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]

[DOR: 20.1001.1.26766728.1395.13.3.3.1]
[Downloaded from qjfr.ir on 2026-11-24]